

صبر؛ نسخه الهی در هنگام فراق عزیزان

احمد عدالتیان؛ در ایام تشییع و تدفین قائد امت، رهبر شهید انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، آیه ۱۵۵ سوره بقره را باهم تلاوت می‌کنیم که خداوند متعال می‌فرماید: «وَتَبْتَئِنُوا بِمَنْ يَمِّنُ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَفْسٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّقَرَاتِ وَبَشِيرِ الشَّائِرِينَ» بی‌تردید شمارا با ترس و گرسنگی و کاهش بخشی از اموال و جان‌ها و محصولات [نباتی یا ثمرات باغ زندگی از زن و فرزند] آزمایش می‌کنیم و صبرکنندگان را بشارت ده! این آیه قبل از آیه معروف «إِنَّا بَنَیْهُ وَابْنًا لَّیْلٍهٖ وَرَاحِلُوهٖ» است و جنبه مهمی از زندگی را برای ما یادآوری می‌کند که عبارت است از امتحان الهی، آزمایش و امتحان که برنامه و سنت حتمی خداوند است، سبب مقاومت و رشد انسان خواهد بود و بسیاری از صفات مثل صبر، رضا، تسلیم، قناعت، زهد، تقوا، حلم و ایثار، در سایه برخورد با کمبودها به دست می‌آید. یکی از این آزمایش‌ها، از دست دادن عزیزان است که خداوند متعال در این آیه و برای این مصیبت، توصیه به صبر کرده، انسان‌های صبور را بشارت می‌دهد. باید بدانیم که مشکلات در منظر و دید اوست و همه چیز حساب و کتاب دارد. همان‌طور که وقتی فرزند امام حسین ^(ع) روی دستانشان تیر خورد و شهید شد، ایشان فرمودند: «این حادثه سخت، چون خداوند می‌بیند، برایم آسان می‌نماید.»

بنابراین، خداوند متعال به امت ایران اسلامی برای صبر و استقامت در عزای از دست دادن عزیزانشان که در رأس آن‌ها امامشان قرار داشت، بشارت می‌دهد و به‌گفته مفسران قرآن کریم، چون مورد بشارت در این آیه بیان نشده است، شامل انواع بشارت‌ها، از جمله نصرت و یاری الهی در همین دنیا خواهد بود.

حکمت

اول خودت را تغییر بده، بعد دنیا را!

علیرضاوکلی؛حضرت امیرالمؤمنین علی ^(ع) در نامه^۱ ۳۱۹ به‌بلایعه، در ادامه نگاه تربیتی خود، فرزندشان را به «تقوا» و «اصلاح نفس» دعوت می‌کنند، مسیری که از درون انسان آغاز می‌شود، نه از تغییر دادن بیرون. درحقیقت، امام^۲ یک اصل ساده اما بنیادین را یادآوری می‌کنند: اگر انسان درون خود را درست نکند، تلاشی او برای اصلاح دنیا به نتیجه نمی‌رسد: «وَأَوْصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ وَاصْلَاحِ أَمْرِكَ وَقَلْبِكَ، تو را به تقوای الهی و سامان دادن به کار و دل خود سفارش می‌کنم.» اول رابطه‌ات را با خدا درست کن، بعد زندگی و درونت را سامان بده، چون اگر دل انسان به هم ریخته باشد، هیچ نظم بیرونی پایدار نمی‌ماند. اینجا امام^۳ دقیقاً نقطه شروع تغییر را مشخص می‌کنند: قلب انسان.

در زندگی امروز، ما معمولاً برعکس عمل می‌کنیم. فکر می‌کنیم اگر شرایط بیرونی بهتر شود - شغل، درآمد، روابط یا حتی محیط - حال ما هم درست می‌شود. اما تجربه روزمره چیز دیگری می‌گوید، مثلاً کسی که مدام از شرایطش ناراضی است، حتی با تغییر شغل یا شهر، همان احساس نارضایتی را همراه خود می‌برد، چون مسئله بیرونی نیست؛ درون او هنوز سامان نگرفته است.

امام علی ^(ع) در این جمله کوتاه، یک حقیقت عمیق را یادآوری می‌کنند: تقواینبی داشتن یک «مرز درونی»؛ مرزی که انسان را در برابر تصمیم‌های شتاب‌زده، واکنش‌های احساسی و انتخاب‌های اشتباه نگه می‌دارد و اصلاح نفس یعنی اینکه انسان قبل از سرزنش دیگران، اول به سروسامان دادن خودش فکر کند.

قرآن کریم نیز همین مسیر را تأیید می‌کند: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ» خدا سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد مگر اینکه آن‌ها خودشان را تغییر دهند. (روعد/ ۱۱۷) یعنی نقطه آغاز همه تحول‌ها، درون انسان است نه بیرون او.

اگر بخواهیم این نگاه را در زندگی روزمره ببینیم، کافی است به یک مثال ساده توجه کنیم: کسی که همیشه با اطرافیانش درگیر است، فکر می‌کند مشکل از آدم‌های دوروبر اوست. اما وقتی چند ماه همان آدم‌ها عوض می‌شوند، باز همان درگیری‌ها تکرار می‌شود. این یعنی مسئله، بیرونی نبوده، بلکه درون حل نشده باقی مانده است.

در نگاه علوی، اصلاح نفس یعنی تمرین‌های کوچک اما مداوم؛ کنترل خشم در یک گفت‌وگو، داشتن صداقت در یک تصمیم مالی، یا توقف قبل از یک قضاوت عجولانه. همین لحظه‌های کوچک، شخصیت انسان را می‌سازند. راه ساده‌ای که امام^۴ نشان می‌دهد، این است: به جای اینکه اول دنیا را درست کنی، هر روز یک قدم در راه اصلاح خودت بردار! دنیا، آرام آرام از همان جا تغییر می‌کند.

احکام محرم

هر نذری، نذر شرعی نیست

علیرضاوکلی؛نذریکی از زیباترین جلوه‌های بندگی و توسل به اهل بیت ^(ع) است و در ایام محرم و صفر بسیاری از مردم برای برآورده شدن حاجت یا شکر نعمت، نذر می‌کنند. اما گاهی برخی آداب، اذکار یا وعده‌هایی در میان مردم رواج پیدا می‌کند که پشتوانه شرعی ندارد، مانند اینکه گفته شود، «اگر این عمل را انجام دهی، حتما حاجت برآورده می‌شود» یا نذرهایی که بدون رعایت شرایط شرعی انجام می‌شود. از نگاه فقه اسلامی، نذر احکام و شرایط مشخصی دارد و تنها در صورت رعایت این شرایط، آثار شرعی بر آن مترتب خواهد شد.

شرایط نذر شرعی

مطابق فتوای آیت‌الله‌العظمی شهید سیدعلی خامنه‌ای

برای انعقاد نذر شرعی، باید شرایط زیر رعایت شود:

- صبغه نذر(به زبان عربی یا ترجمه آن) به زبان جاری کند، مثلاً بگوید: «برای خدا برعهده من است که اگر فلان حاجتم برآورده شد، روز عاشورا مجلس روضه برپا کنم».
- چیزی را که نذر می‌کند، انجام دهد یا ترک کند، باید از جهتی رجحان داشته باشد، پس چنانچه به جا آوردن و ترک آن مساوی باشد، نذر صحیح نیست؛
- کاری را نذر کند که انجام آن، برایش ممکن باشد،
- نذرکننده باید مکلف و عاقل باشد و اختیار نذر کند،
- اگر زن ازدواج کرده است، بنابر احتیاط واجب با اذن شوهر نذر کند، اگرچه در مورد اموال خودش نذر نکند.

نذر زمانی ارزش و اعتبار شرعی دارد که مطابق احکام فقهی انجام شود، بنابراین نباید هر رسم یا سخنی را که درمیان مردم رایج شده است، به عنوان نذر شرعی پذیرفت یا برای اعمال و اذکار خاص، بدون دلیل معتبر، وعده قطعی برآورده شدن حاجت داد. بهترین راه، انجام نذر براساس احکام شرع و با نیت خالص برای خداوند متعال است.



کتاب شهید ایران

شهرآرام

شهرآرام نیوز

شهرآرام نیوز

شهرآرام نیوز

شهرآرام نیوز

شهرآرام نیوز

شهرآرام نیوز

شهرآرام نیوز

شهرآرام نیوز

شهرآرام نیوز

شهرآرام نیوز

شهرآرام نیوز

شهرآرام نیوز

شهرآرام نیوز

شهرآرام نیوز

شهرآرام نیوز

شهرآرام نیوز

شهرآرام نیوز

شهرآرام نیوز

شهرآرام نیوز

شهرآرام نیوز

شهرآرام نیوز

شهرآرام نیوز

شهرآرام نیوز

شهرآرام نیوز

شهرآرام نیوز

شهرآرام نیوز

شهرآرام نیوز

شهرآرام نیوز

جلوه‌های عمل به عهدنامه مالک در سیره آقای شهید ایران

در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر سیدسجاد ایزدهی

مردم‌دار مقتدر

آمنه‌مستقیمی آن‌ها که خیال می‌کنند آنچه اهل بیت ^(ع) برای عرصه‌های مختلف از زندگی فردی و اجتماعی گرفته تا سیاست و حکومت‌داری بیان کرده‌اند، برای امروز ما اجرashدنی نیست. کافی است تأملی بر سیره علما و بزرگانی داشته باشیم که در زمانه ما زیسته‌اند و به زیبایی فاصله زمانی بین خود و انمه ^(ع) را برداشته و در هوای فکری آن‌ها تنفس کرده‌اند؛ همچون آقای شهید ایران که مروری بر سیره و سلوک فتاری شان، ترجمان امروزی از عهدنامه امیرالمؤمنین ^(ع) به مالک‌اشتر را پیش چشم دنیا ترسیم کرده است. در این باره با حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر سیدسجاد ایزدهی، استاد درس خارج فقه و اصول حوزه و رئیس پژوهشکده نظام‌های اسلامی، گفت‌وگو کرده‌ایم.



نمی‌کردند؛ چه در استقبال از امام خمینی در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ در فرودگاه مهرآباد و چه به وقت بدرقه و سوختن مردم از آن داغ در خرداد ۱۳۶۸، جهان این نزدیکی را دید.

اقتدار رهبر شهید انقلاب، مغلولمانه بود

آقای شهید ایران با الهام از آموزه‌های اسلامی و علوی، از توده مردم اطلاع داشتند و با وجود همه محدودیت‌های امنیتی، مردمی و... در بین آن‌ها بودند و از نظر نزدیکی به مردم در اوج قرار داشتند؛ از نظر محبت به مردم نیز ایشان درباره مصلحت مردم و حقوق آن‌ها در عرصه‌های مختلف اعم از اقتصاد، امنیت و... ادبیات و گفتمان بی‌نظیر داشتند و به همه اقشار و اقوام و زن و مرد توجه و با جدیت از هویت مردم و منفعت و مصلحت آن‌ها، دفاع می‌کردند و دغدغه‌مند مصلحت و منفعت مردم بودند و چه در فتنه‌های داخلی و چه هجمه‌های خارجی با اقتدار، ایستادگی کرده، دشمن را دچار واهمه کردند؛ البته اقتداری مغلولمانه و مبتنی بر حق و حضور حداکثری مردم همان‌طور که امیرالمؤمنین ^(ع) چنین بودند، سه ویژگی نزدیکی، محبت و اقتدار مبتنی بر حاکمیت، توانست کارکردهایی برای نظام اسلامی و انقلاب ما رقم بزند که دیگر نظامات سیاسی نمی‌توانند چنین کارکرد و اثرگذاری داشته باشند. از این رو می‌توان روش ثابتی را برای نظم و ولایت خلق کرد که در زمان امیرالمؤمنین ^(ع) و کارگزارانشان در آن دوران و به‌طور خاص در امام شهید انقلاب در روزگار ما عینیت یافت.

تکرار کارگزاران علوی در بی تاریخ

شاید پیش از این گاه فکر می‌کردیم فرماندهان و کارگزاران اسلام که در تاریخ و صفشان را شنیده‌ایم، اسطوره و متعلق به دنیای داستان‌ها هستند اما سیره و ویژگی‌های رهبر شهید انقلاب، نشان داد که این‌ها نه تنها قصه و خیال نیست، بلکه واقعات مسجلی است که در جامعه مدرن و پیچیده امروز قابلیت اجرا دارد؛ در در سایه هدایت‌های رهبر شهید انقلاب به چشم دیدیم که شیوه حاکمیت و اداره اسلامی و سازوکارهای ادبیات دینی درباره حکومت، اجراپذیر است و آنچه امیرالمؤمنین ^(ع) عرضه کردند، نه تنها خواب و خیال و غیرقابل کاربرد نیست، بلکه نسخه‌شفا بخشی است که می‌توان در جامعه، آن را محقق و مشکلات را با آن حل کرد. امام شهید انقلاب نشان دادند که می‌توان در جامعه پیچیده امروز در عین رعایت اقتضائاتی مثل دموکراسی، علوی زندگی کرد.



کربلا؛ محک سنجش «تعهد» در برابر «منفعت»

توزیرهای دنیاگرایانه، همچنان در حال قربانی گرفتن از میان اکثریت خاکستری هستند. خطری که از آنجاییه «دنیازدگی» جوامع دینی را تهدید می‌کند، شبیه به وقوع نمی‌پیوندد. این سقوط، مرحله به مرحله است. همان سیاهی که در کربلا دست به جنایت زد، اگر در ابتدا به آن‌ها گفته می‌شد روزی به خاندان پیامبر ^(ص) اهانت خواهد کرد. آن را محال می‌دانستند. اما دنیاطلبی گام به‌گام آن‌ها را به سمتی برد که کودک خردسال را نیز بر شترهای بی‌چهار اسیر کردند! عاشورا که ما می‌آموزده که «عبرت گرفتن» تنها یک شعار نیست، بلکه یک ضرورت حیاتی است. باید از خود پرسیم در کدام جبهه ایستاده‌ایم؟ در اقلیت مدافع ارزش‌ها یا در میان اکثریت منفعت طلب؟ حقیقت این است که ایمان بدون هزینه کردن از «خوبشتن» و «منافع شخصی، تنها لقلقه‌ای بر زبان است. عاشورا، محک سنجش این حقیقت است که آیا ما بندگان دنیاییم یا بندگان خدا، چرا که دنیا هرگز با آخرت در یک مسیر، حرکت نمی‌کند.

برگرفته از خطبه‌ای نماز جمعه مشهد آیت‌الله العظمی سید احمد علم‌الهدی امام جمعه مشهد تنظیم: حجت‌الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی

از نامش برمی‌آید، به دنبال اقتدار سخت و سلطه بر مردم است و طبیعتاً با مردم کاری ندارد و جز اطاعت از آن‌ها نمی‌خواهد یا در نظم دموکراسی، معمولاً شایسته‌سالاری و نزدیکی و رافت به مردم وجود ندارد. برخلاف نظام‌های مرسوم دنیای کنونی، در نظم ولایت و نظام‌های مبتنی بر نبوت، امامت و ولایت فقیه، همه مبتنی بر منطبق ولایت است.

حاکم اسلامی باید به مردم نزدیک باشد

ولایت در تعریف یعنی ارتباط بین دو چیز یا دو فرد، به‌گونه‌ای که هیچ چیز بیگانه‌ای بین آن‌ها نباشد. (یعنی وجود ارتباط وثیق، نزدیک و فارغ از اغیار) برای همین بر رابطه پدر با فرزند و رابطه امام با امت نیز عنوان ولایت اطلاق می‌شود، منطق نظام اسلامی بر آن است که حاکم باید به مردم نزدیک باشد و فاصله‌ای بین او و مردم نباشد. رابطه‌اش باید مبتنی بر محبت با مردم باشد و انتظار است که این محبت و نزدیکی خود را در بدنه حاکمیت نشان دهد؛ آنچه حضرت امیرالمؤمنین ^(ع) برای مالک ترسیم می‌کنند، حول این سه محور است، یعنی نزدیکی با مردم و بودن با آن‌ها و درک نیازهای آن‌ها از نزدیک (فارغ از دوگانگی و تبعیض بین مسلمان و غیرمسلمان) یعنی ارتباطش با مردم به‌گونه‌ای نباشد که جبروت حاکم، زبان مردم را کوتاه کند و نتوانند حرفشان را بزنند.

ارتباط مردم با امام انقلاب، قلبی بود

بعد دیگر بر محبت و رافت نسبت به مردم و مصلحت آن‌ها را مقدم داشتن، مبتنی است. در قالب تأمین امنیت، عدالت اقتصادی، رفاه و آن اقتداری که باید وجود داشته باشد تا حکومت پایدار باشد و بتواند دشمنان را سرچایشان نبشاند. همین منطق ولایت که مبتنی بر نزدیکی، محبت و حاکمیت است، در انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی و سیره امام راحل ^(ص) و امام شهید انقلاب دیده می‌شود که رابطه آن‌ها با مردم نزدیک است و مردم فاصله‌ای بین خود و ایشان حس

حجت‌الاسلام والمسلمین ایزدهی: ولایت در تعریف یعنی ارتباط بین دو چیز یا دو فرد، به‌گونه‌ای که هیچ چیز بیگانه‌ای بین آن‌ها نباشد. برای همین بر رابطه پدر با فرزند و رابطه امام با امت نیز عنوان ولایت اطلاق می‌شود

این اکثریت خاکستری، همان گروهی است که بخش‌هایی از آن به سمت ارزش‌های دینی گرایش دارد و بخش‌های دیگری، متمایل به جریان‌های مادی و سکولار است. امام حسین ^(ع) می‌فرمایند: «إِنَّ النَّاسَ عِیْبَةُ الدُّنْیَا وَ الدِّینُ لَعُقْ عَلَی السَّیْئِمِهِمْ یُحَوِّطُوْهُ مَا ذَرَّتْ مَعَانِشُهُمْ، فَإِذَا مَخَضُوا بِالْبَیْزِ قَلَّ الدِّیْنُ، هُمَا نَا مَرْدَمَان بِنْدَه دنیابند و دین، لقلقه زبان آن‌هاست و هر جا منافعشان [به وسیله دین] بیشتر تأمین شود، زبان می‌چرخاند و چون به بلاآموده شوند، آن‌گاه دین داران اندک هستند».

حضرت با تعبیر عمیق «الناس عبیدالدنیا» (مردم بنده دنیا هستند)، پرده از دغدغه اصلی این گروه برمی‌دارد. برای این توده، محور فعالیت‌های روزانه، جایگاه اجتماعی، قدرت، درآمد و موقعیت سیاسی است. این افراد پیش از هر اقدامی، ماشین حساب منفعت‌طلبی خود را به‌کار می‌اندازند؛ اگر حادثه‌ای با سود مادی آن‌ها همسو باشد، در صف اول هستند، اما به محض آنکه پای هزینه دادن برای دین و ارزش‌ها به میان بیاید، از میدان فاصله می‌گیرند. در تاریخ عاشورا، شخصیت‌هایی همچون عمر سعد، نماد عینیت این اکثریت خاکستری

کارگزاران اسلامی متفاوت اند

نظام اسلامی کارکردهای مشخصی دارد که آن را از سایر نظام‌ها، متفاوت و متمایز می‌کند؛ یعنی سنخ اهداف، غایات و کارکردهای نظام اسلامی در جامعه مثل سایر نظام‌های عرفی نیست که مشروعیت کارگزار، صرفاً به واسطه نصب باشد، بلکه نظام اسلامی باید کارکردهای متمایزی در جامعه داشته باشد. بنابراین حاکم اسلامی هم باید ویژگی‌هایی خاصی داشته باشد؛ مثل عصمت در امام ^(ع) یا تقوا، عدالت، صراحت، زمان‌شناسی و بصیرت در ولی فقیه، اگر فقاقت، عدالت، کاردانی، زمان‌شناسی و بصیرت ولی فقیه در جامعه تسری بیابد، اتفاقات متفاوتی رخ می‌دهد.

وجه تمایز نظام اسلامی

مانند حاکم، کارگزاران نظام اسلامی نیز باید ویژگی‌های خاصی داشته باشند، لذا وقتی امیرالمؤمنین ^(ع) مالک‌اشتر را به مصر اعزام می‌کنند، انتظارات متفاوتی از نظام اسلامی دارند؛ برای همین در عهدنامه موسوم به مالک‌اشتر، هم برای خود شخص مالک توصیه‌هایی دارند مثل برخورد با گروه‌های مختلف، اعم از مسلمانان، پیروان ادیان و متصدیان امور و هم او را به لطف و عطف و در عین عدالت و اقتدار و ظلم روانداشتن به مردم، ایستادن مقابل ظلم و اجرای احکام اسلام سفارش می‌کنند و هم درباره اوصاف کارگزاران نظام اسلامی، نکاتی را بیان می‌کنند.

تأکید حضرت امیر ^(ع) بر رعایت حال مردم

نه تنها در این نامه بلکه در همه متون ناظر به کارگزاران در بیان حضرت امیرالمؤمنین ^(ع)، این ویژگی‌ها و کارکردها مورد تأکید و مطالبه است که با نگاه به آن‌ها، می‌توان گفت فرق نظام اسلامی با سایر نظام‌ها در دو بعد مهم است؛ نخست مردم‌سالاری دینی و دوم شایسته‌سالاری حاکم و کارگزار باید شایسته باشد و به واسطه شایستگی‌ها جامعه را اداره کند. لذا می‌بینیم که امیرالمؤمنین ^(ع) در عهدنامه مالک‌اشتر بر وجود تقوا، عدالت و عطف و نسبت به مردم و... در کارگزاران نظام اسلامی تأکید می‌کنند؛ حجم گسترده‌ای از عبارات این نامه به رعایت و مراعات حال مردم، زمینه‌سازی برای پرورش و تربیت مردم، حفاظت از مردم مقابل ناامنی‌ها و نکاتی از این دست اختصاص دارد که در نهایت این اوصاف، می‌تواند جوهره مردم‌سالاری دینی را آشکار کند.

ولایت، منطق حاکم بر نظام اسلامی

یکی از ویژگی‌های نظام اسلامی، نظم مبتنی بر ولایت است. در نظام‌های رایج جهانی چند گونه و مدل از نظم سیاسی داریم که هر یک معیارهایی دارد؛ مثل جمهوریت، سلطنت، پادشاهی، خلافت و... این حکومت‌ها به تناسب تفاوت نام‌هایشان، کارکردهای متفاوتی هم دارند؛ برای مثال سلطنت همان‌طور که

عاشورا فراتر از یک واقعه تاریخی در جغرافیای کربلا، یک ترازی همیشگی برای سنجش جنس ایمان انسان‌هاست. این حادثه، نقطه عطف تاریخ است که در آن، مرز میان «ایمان حقیقی» و «دنیاطلبی» به شفاف‌ترین شکل ممکن ترسیم شد. اگر امروز از دنیازدگی به عنوان بزرگ‌ترین تهدید جوامع دینی یاد می‌شود، به این دلیل است که عاشورا ذرواقع، نتیجه غلبه همین میل به دنیا بر تکلیف الهی بود. وقتی منافع شخصی، بر مصالح دینی و وظایف شرعی پیشی می‌گیرد، سرنوشتی جز فاجعه کربلا رقم نخواهد خورد.

برای درک بهتر تحولات اجتماعی، باید به یک آموزه راهبردی در سیره امام حسین ^(ع) توجه کرد: «توده‌شناسی». در هر جامعه‌ای، ما پایه لایه مواجه هستیم؛ در اقلیت و یک اکثریت. در یک سوی میدان، اقلیت مؤمن و متعهد قرار دارد که جان خود را فدای ارزش‌های الهی می‌کند. در سوی دیگر، اقلیت ضددین و دشمنان آشکار حقیقت ایستاده‌اند. اما در میانه این دو، «اکثریت خاکستری» قرار دارد، توده‌ای که سرنوشت تحولات جامعه را در دست دارد.

خطبه نماز جمعه

در سیره

رهبر کارگی